

بسم الله الرحمن الرحيم

عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

درس اول: جانشینی برای خدا بر روی زمین

مقدمه:

ماجرای خلقت نخستین آدمی، از داستان‌های جذاب و البته مهمی است که عموم ادیان و مکاتب از آن یاد کرده‌اند. یکی از جنبه‌های اهمیت این موضوع، به فلسفه و چرایی خلقت انسان باز می‌گردد. به بیانی دیگر از این داستان برای پاسخ به یکی از قدیمی‌ترین سوالات بشریت یعنی «ز کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟» استفاده می‌گردد.

از آنجا که هیچ کدام از بنی آدم در زمان خلقت آدم علیه السلام حضور نداشته‌اند، تنها راه مطمئن برای با خبر شدن از کیفیت این خلقت و همچنین اتفاقات بعدی که برای آدم و حوا علیهما السلام و فرزندان شان رخ داده، استناد به کلام وحی است. از این رو از میان تمامی داستانها و افسانه‌هایی که درباره‌ی خلقت آدم و حوا و چگونگی حضور ایشان بر روی زمین نقل شده، تنها آنهایی قابل استناد و اعتماد هستند که توسط فرستادگان الهی - که به منبع وحی متصل بوده‌اند - بیان گردیده است.

متأسفانه، در طول تاریخ، مردم در باز تعریف آن داستان‌ها که از فرستادگان خداوندی شنیده بودند، بسته به ذوق، سلیقه و برداشت خود تغییرات و یا به تعبیر دقیق‌تر تحریفاتی را وارد نمودند. بدین ترتیب به مرور زمان، داستان خلقت آدم علیه السلام - همانند بسیاری دیگر از آموزه‌های مریبان آسمانی - از حقیقت و واقعیت دور و دورتر شد؛ به گونه‌ای که امروزه تأمل در آن داستانها نه تنها به هدایت بشر و عبرت آموزی او منجر نمی‌گردد بلکه موجبات گمراهی او را ایجاد می‌کند!

در درسنامه «عهد معهود» تلاش خواهیم نمود ماجرای خلقت آدم علیه السلام و اتفاقات پس از آن را با استناد به کلام وحی و به دور از تحریفات و تفسیرهای نادرست، بیان نماییم؛ و پس از آن به این موضوع خواهیم پرداخت که هدف از خلقت آدمی چه بوده و بشر چگونه می‌تواند به آن هدف دست یابد؟

تصمیم خدا مبنی بر انتخاب جانشینی بر روی زمین

خداوند اراده فرمود برای خود جانشینی بر روی زمین قرار دهد. پس فرشتگان خود را از این تصمیم باخبر نمود و فرمود:

"إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً"^۱

همانا من جانشینی بر روی زمین قرار می‌دهم.

ملائک، پیشتر شاهد رفتار موجودات زمینی در مقابل خدای یگانه بودند و تجربه‌ی خوشایندی از آن دوران نداشتند. این مخلوقات زمینی، هزاران سال پیش از آدم علیه السلام خلق شده بودند؛ اما به سبب طغیان و به جای نیاوردن ادب بندگی در مقابل معبود، به امر خداوند به هلاکت رسیدند.^۲ به همین دلیل، هنگامی که پروردگار،

^۱ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰.

^۲ امیر مومنان می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَحَبَّ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا بِيَدِهِ وَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا مَضَى لِلْحَيِّ وَ النَّسْنَسِ فِي الْأَرْضِ سَبْعَةَ آلَافٍ سَنَةٍ قَالَ وَ لَمَّا كَانَ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ لِلَّذِي أَرَادَ مِنَ التَّدْبِيرِ وَ التَّقْدِيرِ لِمَا هُوَ مُكَوَّنَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عِلْمِهِ لِمَا أَرَادَهُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَشَطَ عَنْ أَطْبَاقِ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ انظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَلْقِي مِنَ الْحَيِّ وَ النَّسْنَسِ فَلَمَّا رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنَ الْمَعَاصِي وَ سَفْكِ الدِّمَاءِ وَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ يَغْيِرُ الْحَقَّ عَظَمَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ غَضِبُوا لِلَّهِ وَ أَسْفُوا عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَمْ يَمْلِكُوا غَضَبَهُمْ أَنْ قَالُوا يَا رَبِّ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْقَادِرُ الْجَبَّارُ الْقَاهِرُ الْعَظِيمُ الشَّانُ وَ هَذَا خَلْقُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ فِي أَرْضِكَ يَتَقَلَّبُونَ فِي قُبُضَتِكَ وَ يَعْيشُونَ بِرِزْقِكَ وَ يَسْتَمْتِعُونَ بِعَافِيَتِكَ وَ هُمْ يَعْصُونَكَ بِمِثْلِ هَذِهِ الدُّنُوبِ الْعِظَامِ لَا تَأْسَفُ وَ لَا تَغْضَبُ وَ لَا تَنْتَقِمُ لِنَفْسِكَ ... قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ ... أُبَيِّنُ النَّسْنَسَ مِنْ أَرْضِي فَأَطَهَّرُهَا مِنْهُمْ وَ أَنْقُلَ مَرَدَّةَ الْحَيِّ الْعَصَاةَ ..."

یعنی: وقتی که خدای متعال اراده کرد که خلقتی را به دست قدرت خود ایجاد کند (آدم علیه السلام را خلق کند)، و این امر بعد از گذشت هفت هزار سال از خلقت جن و نسناس در زمین بود، آنگاه خداوند از طبقات آسمانها پرده برداشت و به ملائکه فرمود: به زمین بنگرید و اهل آن از جن و انس را ببینید، پس وقتی که نگاه کردند و اعمال معصیت آمیز آنها را دیدند، بر ایشان بسیار دشوار بود، آن وقت گفتند: پروردگارا تو عزیز و قادری و اینها خلق ضعیف تو هستند که با روزی تو زندگی می‌کنند ولی تو را نافرمانی و معصیت می‌نمایند و تو از آنها انتقام نمی‌گیری ... خدای عز و جل فرمود: ... زمین خود را از لوث نسناس پاکیزه سازم و جثیان عصیانگر را منتقل سازم ... بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۸۲ و ۸۳؛

در مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام ما انسانها که از نسل آدم علیه السلام به دنیا آمده ایم تنها بشر خلق شده نبوده ایم؛ بلکه خداوند انسان‌های متعددی در دوره‌های مختلف خلق فرموده و ما جزو آخرین دوره از انسانها هستیم. امام کاظم علیه السلام خطاب به یکی از شاگردان شان می‌فرماید: "لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ مِنْذُ خَلَقَهَا سَبْعَةَ عَالَمِينَ لَيْسَ هُمْ وَ لَدَّ آدَمَ خَلَقَهُمْ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ فَأَسْكَنَهُمْ فِيهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ مَعَ عَالَمِهِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ أَبَا هَذَا الْبَشَرِ وَ خَلَقَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْهُ"

یعنی: خدای عزوجل از روزی که زمین را آفریده، هفت عالم را در آن خلق [و سپس منقرض] کرده است که هیچ یک از آن عوالم از نسل آدم علیه السلام نبوده اند و خدای تعالی همه آنها را از پوسته روی زمین آفرید و نسلی را بعد از نسل دیگر ایجاد کرد و برای هر یک، عالمی بعد از عالم دیگر پدید آورد تا در آخر، آدم ابوالبشر را بیافرید و ذریه اش را از او منشعب ساخت: خصال صدوق، ج ۲، ص ۲۵۹؛ بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰. ذیل آیه **يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ** (سوره ابراهیم، آیه ۴۸).

همچنین ایشان می‌فرمایند: "لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ إِتِمَّا خَلَقَ هَذَا الْعَالَمَ الْوَاحِدَ وَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ بَشَرًا غَيْرَكَ بَلَى وَ اللَّهُ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ أَلْفَ أَلْفِ عَالَمٍ وَ أَلْفَ أَلْفِ آدَمَ أَنْتَ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ وَ أُولَئِكَ الْأَدَمِيَّينَ": گویا تو گمان می‌کنی که خداوند فقط این عالم را آفرید و بس و همچنین گمان می‌کنی که خداوند بشری غیر از شما نیافریده است؟ آری به خدا قسم خداوند هزار هزار عالم و هزار هزار آدم آفرید و تو در آخر این عالم‌ها و آدم‌ها هستی: توحید صدوق، ص ۲۷۷؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۷۵؛

تفسیر برهان، ج ۵، ص ۱۳۲. ذیل آیه **أَفَقَبِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ** (سوره ق، آیه ۱۵).

همین پاسخ از سایر اهل بیت نیز بیان گردیده است. به عنوان نمونه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: "أَتَطَّنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا سِوَاكَ بَلَى وَ اللَّهُ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ أَلْفَ أَلْفِ آدَمَ وَ أَلْفَ أَلْفِ عَالَمٍ وَ أَنْتَ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ": بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۵.

خطاب به ملائک فرمود قصد دارد موجودی را بر روی زمین به عنوان خلیفه و جانشین قرار دهد، برخی از آنها با تعجبی اعتراض گونه به خدا عرضه داشتند:^۴

«أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»^۵

آیا می‌خواهی کسی را در زمین خلیفه کنی که فساد کند و خونریزی به راه بیندازد؟

سپس ملائک که نمی‌خواستند دوباره حرمت عبودیت خالق شکسته شود و زمین به فساد آلوده گردد، به خدا پیشنهاد نمودند به جای آنکه موجودی زمینی را خلیفه‌ی خود نماید، فرشتگان را به عنوان جانشین و خلیفه برگزیند؛ چراکه ایشان خداوند را تسبیح و عبادت می‌کنند^۶ و هرگز به فساد و خونریزی نیز روی نخواهند آورد.

اما خداوند حکیم به ایشان فرمود «همانا من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید». **من می‌خواهم مخلوقی را بیافرینم که از نسل او برترین بندگانم پای بر زمین گذارند و حجت و جانشین من باشند بر زمینیان!**

^۳ امام باقر علیه السلام می‌فرماید این اعتراض از جانب تعدادی از ملائک بیان گردید: «فِي قَوْلِ اللَّهِ وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ تَحْنُ تُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ تُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ قَالَ كَانَ فِي قَوْلِهِمْ هَذَا مِنْهُمْ عَلَى اللَّهِ يَعْبَادَتِهِمْ وَ إِنَّمَا قَالَ ذَلِكَ بَعْضُ الْمَلَائِكَةِ»: بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۴۶ و ۴۷.
^۴ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما علم الملائكة بقولهم: أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ لو لا أنهم قد كانوا رأوا من يفسد فيها و يسفك الدماء»: اگر فرشتگان قبلاً موجوداتی را ندیده بودند، که بر روی زمین فساد به راه انداختند و خونریزی کردند، پس از کجا گفتند «آیا می‌خواهی کسی را بر روی زمین قرار دهی که آنجا فساد کند و خونریزی به راه اندازد؟»: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

^۵ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰.
^۶ «وَ تَحْنُ تُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ تُقَدِّسُ لَكَ» یعنی: در حالی که ما تسبیح گوی تو هستیم و تو را تقدیس می‌کنیم: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰.

^۷ امیر مومنان می‌فرماید فرشتگان پس از آنکه از خدا سوال کردند «آیا می‌خواهی کسی را در زمین خلیفه کنی که فساد و خونریزی می‌کند؟» (بقره، آیه ۳۰) گفتند: «فَجَعَلَهُ مِمَّا قَاتًا لَا يُفْسِدُ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُسْفِكُ الدِّمَاءَ»: بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۸۳.
^۸ «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰.

^۹ امام حسن عسکری در تبیین کلام خدا خطاب به ملائک درباره‌ی آنچه خدا می‌داند اما ملائک به آن علم ندارند، به نقل از امیر مومنان چنین می‌فرماید: «فَقَالَ جَلَّ وَ عَزَّ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۳۰) «إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَخْلُقَ خَلْقًا يَبْدُو وَ أَجْعَلَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ أَنْبِيَاءَ وَ مُرْسَلِينَ وَ عِبَادًا صَالِحِينَ وَ أَيْمَةً مُهْتَدِينَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ عَلَى خَلْقِي فِي أَرْضِي يَهْدُوهُمْ عَنْ مَعْصِيَتِي وَ يَنْزِرُوهُمْ مِنْ عَذَابِي وَ يَهْدُوهُمْ إِلَى طَاعَتِي وَ يَسْلُكُونَ بِهِمْ سَبِيلِي وَ أَجْعَلُهُمْ لِي حُجَّةً عَلَيْهِمْ ... فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا أَفَعَلُ مَا شِئْتَ- لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (سوره بقره، آیه ۳۲) «فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (سوره حجر، آیه ۲۸ و ۲۹). یعنی: خداوند به فرشتگان فرمود: «من چیزی را می‌دانم که شما به آن علم ندارید. همانا من می‌خواهم مخلوقی را به دست خود خلق کنم و از خاندان او پیامبران و فرستادگان و بندگان صالح و امامان هدایتگر را قرار دهم و آنها را جانشین بر مخلوقاتم بر روی روی زمین نمایم تا خلق را از معصیت من نهی سازند و از عذاب من بیم‌شان دهند و به سوی فرمانبری از من هدایت نمایند و به ایشان راه من را نمایان سازند و ایشان را برای خودم حجتی بر خلق قرار دهم ...» پس ملائک گفتند «ای مالک و پرورش دهنده‌ی ما؛ هر آنچه می‌خواهی انجام ده که تو پاک و منزهی و ما جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای علم دیگری نداریم» پس خداوند جَلَّ جلاله خطاب به ملائک فرمود «من بشری از گل خشک، برآمده از لجن بوبناک بیافرینم. هرگاه آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیافئید»: علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۵؛ تفسیر برهان ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۲. ذیل آیه وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (سوره بقره، آیه ۳۴).
؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۰۴.

ملائک که چنین شنیدند، از حرف خود بازگشتند و گفتند: «ای مالک و پرورش دهنده‌ی ما؛ هر آنچه می‌خواهی انجام ده که تو پاک و منزه‌ی و ما جز آنچه به ما تعلیم داده ای علم دیگری نداریم»^{۱۰}

پس خداوند حکیم خطاب به فرشتگان فرمود: «من بشری از گل بیافرینم. هرگاه آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیافتید.»^{۱۱}

آنگاه خداوند آدم علیه السلام را از خاک آفرید^{۱۲} و همچنانکه به فرشتگان وعده داده بود، از روحش در او دمید.^{۱۳}

اما آیا خداوند دارای روح است؟ آیا می‌توان برای خدا جنس یا جزء قائل شد؟

مگر نه آنکه خداوند شبیه هیچ کدام از مخلوقاتش نیست (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)^{۱۴} و برایش جنس و جنسیت مطرح نمی‌شود؟

پس معنای این کلام الهی چیست که می‌فرماید:

نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي^{۱۵}

از روح خود در آن [کالبد آدم] دمیدم.

تا جلسه‌ی آینده درباره‌ی این موضوع بیان‌دیشید و ببینید آیا درست است که برای خداوند متعال، روح قائل شد؟

📌 نکات مهم این جلسه

- خداوند اراده فرمود بر روی زمین جانشینی برای خود قرار دهد.

^{۱۰} همان.

^{۱۱} "إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ": قرآن کریم، سوره ص، آیه ۷۱ و ۷۲. همچنین بنگرید به پاورقی شماره ۹.

^{۱۲} در قرآن کریم، به خلقت آدم علیه السلام از خاک تصریح گردیده است. به عنوان نمونه به آیات زیر توجه فرمایید: "خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ" یعنی: او (آدم علیه السلام) را از خاک آفرید: قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۵۹.

"وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ" یعنی: و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم: قرآن کریم، سوره مومنون، آیه ۱۲.

"فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ" یعنی: ما شما را از خاک آفریدیم: قرآن کریم، سوره حج، آیه ۵.

"إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ" یعنی: پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از گل می‌آفرینم: قرآن کریم، سوره ص، آیه ۷۱.

"خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ" یعنی: آدمی را از گل خشک شده‌ای چون سفال بیافرید: قرآن کریم، سوره الرحمن، آیه ۱۴.

"الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ" یعنی: آن که هر چه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید و خلقت انسان را از گل آغاز کرد: قرآن کریم، سوره سجده، آیه ۷.

^{۱۳} بنگرید به پاورقی شماره ۱۱.

^{۱۴} قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۱۱.

^{۱۵} قرآن کریم، سوره حجر، آیه ۲۹.

- برخی از ملائک چون پیشتر، فساد موجودات زمینی را دیده بودند، با لحنی اعتراض گونه به خدا پیشنهاد دادند این خلیفه را از فرشتگان قرار دهد که فساد و خونریزی به راه نمی‌اندازند و تسبیح خدای را به جا می‌آورند.
- خداوند در پاسخ به ایشان فرمود من به چیزی علم دارم که شما نمی‌دانید و آن هم این است که می‌خواهم در این دوره و از ذریه‌ی موجودی که از گِل خلق می‌کنم برترین بندگانم را بر روی زمین جانشین خود سازم.
- خداوند از خاک، آدم علیه السلام را خلق کرد و پس از آنکه در کالبدش روح دمیده شد به ملائک دستور داد تا در مقابل آدم به سجده بیافتند.

